

نقش و تأثیر علما بر رسانه‌های گروهی در شبه جزیره مالزی^۱

مؤلف: محمد یوسف حسین^۲

مترجم: راحله میلانی و مهرنوش اختری زواره

علما (دانشمندان علوم اسلامی) در جوامع اسلامی از احترام، نفوذ و قدرت بالایی برخوردار می‌باشند. آنها در زمینه دانش اسلامی، بویژه در عرصه‌های قرآن کریم و سنت، توحید، فقه^۳ و تصوف (عرفان) آموزش خاص و حرفه‌ای دیده‌اند. برخی از علمای اسلام مبین قوانین اسلام بودند. در بین اهل سنت می‌توان امام ابوحنیفه (۷۶۷)، امام مالک (۷۹۵)، امام شافعی (۱۱۹) و امام احمد ابن حنبل (۱۵۵) را نام برد که تأثیر فهم و درک آنان از قوانین اسلامی بر مسلمانان تا به امروز به جای مانده است. تنی چند از علماء گذشته اسلامی همچون ابن خاطر (۱۳۶۳)، مفسر قرآن بودند؛ برخی از جمله بخاری (۱۷۰)، مسلم (۱۷۵) و ابن ماجه (۱۸۶) محدث و معدودی از آنان، نظیر ابن اسحاق (۷۶۷) و ابن هشام (۱۲۷)، کاتبین سیره پیامبر (ص) بودند و تعداد کمی همانند الطبری (۹۲۳) و ابن الاثیر (۱۲۳۴) مورخ شدند. و عده‌ای از جمله الغزالی (۱۱۱۱) و العربی (۱۲۴۰) نیز وجود داشتند که از صوفیان مشهور محسوب می‌شوند. در شبه جزیره مالزی، اغلب علمای پیشین در استانهای شمالی بویژه در پاتانی، کداه، کلاتان و ترنگانو^۴ حضور داشتند. آنان همانند علمای دیگر نقاط جهان اسلام، معلم مذهبی، مبلغ، امام جماعت، راهنما، مشاور و نویسنده بودند.

همزمان با معرفی رسانه جمعی و گروهی در شبه جزیره مالزی در قرن نوزده، نقش علما نیز به این حوزه گسترش یافت. این نوشته درباره نقش علما و تأثیر آنها بر رسانه‌های

۱ - برگرفته از کتاب محمد یوسف حسین (۲۰۰۶). با عنوان "رسانه‌ها و جامعه اسلامی"، انتشارات دانشگاه بین‌المللی اسلامی مالزی، فصل نهم.

۲- پروفیسور دکتر محمد یوسف حسین استاد ارتباطات دانشگاه بین‌المللی اسلامی مالزی و از پیشگامان عرصه اسلامی سازی دانش ارتباطات در این کشور می‌باشد.

۳- jurisprudence

۴- Patani, Kedah, Kelantan and Terengganu

گروهی مالزی، بویژه برحسب اهداف و محتوای رسانه‌ها، در راستای آموزه‌های اسلامی به بحث و بررسی می‌پردازد.

پرورش علمای مالایی^۱

علمای زمان‌های گذشته مالایی نخستین نتیجه سیستم سنتی آموزش مذهبی بودند که در مدارس شبانه‌روزی سنتی با نام "پوندوک"^۲ تعلیم و تربیت یافتند. پوندوک‌ها خصوصاً در استان‌های پاتانی، کداه، پیننگ، پراک شمالی، کلانتان و ترنگانو^۳ زیاد بودند. از جمله معروف‌ترین آنها عبارتند از پوندوک پولو چوندونگ و پوندوک توک کنالی در کوبانگ کریان، کلانتان؛ پوندوک حاجی محمد شافی در لسونگ، ترنگانو؛ پوندوک تیتی گجا و پوندوک آلور ستار در کداه، پوندوک کنابی العلوم در پانتای، بوکیت مرتجم و پوندوک باگان بلوت و پوندوک پرماتانگ جنگوس در پیننگ؛ پوندوک الرحمانیه در گونونگ سمنگول و پوندوک باتو ۲۶ در باگان داتوک پراک^۴.

مدرسان این پوندوک‌ها از فارغ‌التحصیلان مراکز علمی عربستان سعودی و بویژه شهر مکه بودند. دانش‌آموزان و طلاب پوندوک‌ها عمدتاً از اقصی نقاط شبه جزیره مالزی و سوماترا (جزیره‌ای متعلق به اندونزی و در نزدیکی مالزی) برای تحصیل علوم دینی می‌آمدند. برنامه آموزشی آنها به سبک برنامه مسجد الحرام در راستای تقویت اعتقاد، شامل ممارست مداوم (عمل)، توسعه رفتار و سیره مناسب (اخلاق) و تصفیه روح (تزکیه نفس) طراحی شده بود.

روش تدریس در پوندوک‌ها نیز مطابق روش مسجد الحرام بوده است به این صورت

^۱ - در کشور مالزی بیش از پنج نژاد حضور دارند که از میان آنها تنها نژاد مالایی است که عمدتاً مسلمان هستند (مترجم)

^۲ - pondoks

^۳ - Patani, Kedah, Penang, northern Perak, Kelantan and Terengganu

^۴ - Pondok Pulau Chondong and Pondok Tuk Kenali in Kubang Kerian, Kelantan; Pondok Haji Muhammad Shafii in Lesong, Terengganu; Pondok Titi Gajah and Pondok Alor Setar in Kedah, Pondok Manabi'al Ulum in Pantai, Bukit Martajam and Pondok Bagan Belut and Pondok Permatang Janggus in Penang; Pondok al-Rahmaniah in Gunung Semanggol and Pondok Batu ۲۶ in Bagan DATok Perak.

که. "توک گورو"^۱، "کیای"^۲ یا همان معلم دینی متن درس را همراه با دانش آموزان با تفاسیر مرتبط تمرین می‌کرد و دانش آموزان به تمرین ادامه می‌دادند و هنگامیکه از مهارت خود در بازخوانی آن درس اطمینان حاصل می‌نمودند، به دانش آموزان ضعیف‌تر کمک می‌کردند. بدین روش گروه‌های مطالعاتی کوچک در پوندوک‌ها ایجاد می‌شد و مدیریت آنها را معلمان کارآموز بر عهده می‌گرفتند، که طی زمان و تحت هدایت توک گورو، تبدیل به محققان می‌شدند.^۳

دانش آموزان پس از فارغ التحصیلی از پوندوک‌ها، تعداد زیادشان برای ادامه تحصیلات دینی خود به مکه عزیمت می‌کردند. آنها هنگامی که به کشور باز می‌گشتند در پوندوک‌ها یا در روستاهای خود به تدریس می‌پرداختند.

در قرن بیستم، تعدادی از علمای بزرگ سیستم پوندوک‌ها را توسعه دادند. آنان مدارس (مکاتب)^۴ زیادی را بنا نمودند. که مدرسه الاقبالین در سنگاپور^۵ تأسیس شده در سال ۱۹۰۸، مدرسه الماسیور الاسلامیه در پیننگ در سال ۱۹۱۴، مدرسه الحمیدیه در آلور ستار، کداه در سال ۱۹۱۴، مدرسه محمدیه در کوتا بارو کلانتان در سال ۱۹۱۷، مدرسه سلطان زین العابدین در کوالا ترنگانو در سال ۱۹۲۰، مدرسه حاجی طیب در موار جوهور در سال ۱۹۲۵، مدرسه الدینییه در پیننگ رنگاس پراک در سال ۱۹۲۴، معهد الاحیاء الشریف در گونونگ سمنگول پراک در سال ۱۹۳۴ و مدرسه المحمد در آلور ستار کداه در سال ۱۹۳۶ از آن دسته‌اند.^۶

^۱ - Tok Guru

^۲ - Kiyay

^۳ - Virginia Mathesan and M.B. Hooker, ۱۹۸۸:۴۴.

^۴ - madrasahs

^۵ - سنگاپور تا سال ۱۹۶۳ جزئی از شبه جزیره مالایا محسوب می‌شده است.

^۶ - Madrasah al-Iqbalin in Singapore (۱۹۰۸), Madrasah al Masyor al-Islamiyyah in Penang (۱۹۱۴), Madrasah al-Hamidiah in Alor Setar, Kedah (۱۹۱۴), Madrasah Mihammadiyyah in Kota Bahru, Kelantan (۱۹۱۷), Madrasah Sultan Zainal Abidin in Kuala Terengganu (۱۹۲۰), Madrasah Haji Taib in Muar Johor (۱۹۲۵), Madrasah al-Dinniyyah in Padang Rengas Perak (۱۹۲۴), Maahad al-Ihya al-Sayariff in Gunung Semanggol, Perak (۱۹۳۴) and Madrasah al-Mahmud in Alor Setar, Kedah (۱۹۳۶).

این مدارس دانش آموزان را تحت آموزش رسمی سازمان یافته تری قرار دادند. در مدرسه الدینیه در پدانگ رنگاس، برنامه آموزشی نه تنها شامل دروس مذهبی بود بلکه ریاضیات، تاریخ و زبان انگلیسی و بسیاری موضوعات دیگر را نیز در بر داشت (خو، ۱۹۷۴). به عنوان مثال برخی از مدارس از جمله **مدرسه محمدیه** در کوتا بارو و **مدرسه حاجی طیب** در موآر جوهور، از سه زبان مالایی، عربی و انگلیسی استفاده می کردند. همچنین مدارس به شیوه مناسب تری نسبت به پوندوک ها اداره می شدند. بعنوان نمونه، **مدرسه الحمیدیه** در کداه - "از لحاظ ساختار و سازمان با تمام مدارس غیر مذهبی رقابت می کرد" (خو، ۱۹۷۴).

به منظور ارائه آموزش پیشرفته به فارغ التحصیلان این مدارس، تعدادی مؤسسه آموزش پیشرفته دایر گردید. اولین آنها **کالج اسلام (کالج اسلامی)** در کلنگ سلانگور بود که در سال ۱۹۵۵ تأسیس گردید. پس از استقلال یافتن از انگلیسی ها در سال ۱۹۵۷، به منظور ایجاد فرصت های بیشتر برای دانش آموزان مسلمان جهت ادامه تعلیمات دینی خود، تعداد مؤسسات آموزشی پیشرفته افزایش یافت. در سال ۱۹۶۱، دفتر تعلیم اسلامی در دانشکده هنر دانشگاه مالزی^۱ دایر گردید. بدنبال آن در سپتامبر ۱۹۶۵، مرکز اسلامی آموزش عالی (**المركز الاسلامی للدراسة الفلاحیه**) در کوتا بارو کلاتان تأسیس شد و در سال ۱۹۷۰ دانشکده آموزش اسلامی در دانشگاه ملی مالزی بنا نهاده شد.

در اوائل دهه ۸۰، مؤسسات آموزش پیشرفته بیشتری دایر گردید که آنها عبارتند از دانشگاه اسلامی بین المللی مالزی در سال ۱۹۸۳، کالج سلطان زین العابدین در کوتا ترنگانو به سال ۱۹۸۵ و کالج دانشگاه اسلامی مالزی که در سال ۱۹۹۹ بنا نهاده شد.

مؤسسات آموزش اسلامی سنتی و مدرن علمای متعددی را پرورش دادند که نقش مؤثری در آموزش و دعوت اسلامی داشتند. از مشهورترین آنها می توان به این افراد اشاره کرد: **شیخ داد ابن عبدالله الفتانی (۱۸۴۷)**، **عبد الصمد ابن محمد صالح**، که با نام "توک

^۱- University of Malaya

تَبال" نیز شناخته می‌شد؛ محمد یوسف ابن احمد، که به نام "توک کِنالی" نیز شهرت داشت؛ شیخ عبدالمالک ابن عبدالله که با عنوان "توک پالو مانیس" نیز معروف بود؛ وان سلیمان ابن وان سیدک، حسین ابن محمد نصیر ابن محمد طیب مسعود البنجاری؛ محمد صالح ابن باکی المسری؛ شیخ عثمان جلال الدین؛ حاجی عبدالله فهیم؛ ابوبکر البکیر و شیخ محمد ادريس ابن عبدالرئوف المرباوی. آنها همگی فارغ‌التحصیلان پوندوک‌ها بودند که پس از اتمام دوره‌های پوندوک‌ها در مکه یا الازهر مصر، به تحصیلات خود ادامه دادند.

نوشته‌های دو تن از این علما، بنام شیخ داد ابن عبدالله الفتانی و شیخ محمد ادريس ابن عبدالرئوف المرباوی، از شهرت بالایی برخوردار است. شیخ داد ابن عبدالله الفتانی بیست و یک کتاب درباره فقه (حقوق الهی) چاپ کرده است؛ از جمله معروف‌ترین آنها می‌توان **فروع المسائل** را نام برد. این کتاب درباره مسائل عبادت، معاملات، مناکحات، جنایت و جهاد می‌باشد. کتاب‌های مهم دیگر وی عبارتند از رساله **المسائل، بلوغ المرام، فتح المنان و سلام المبتدی**.

شیخ محمد ادريس المرباوی لغتنامه عربی- مالایی معروفی را نیز با عنوان کموس **المرباوی**^۱ تألیف نمود. آثار برجسته دیگر وی شامل تفسیر القرآن کریم المرباوی، نورالیقین و نظام الحیات می‌باشد.

مدارس و مؤسسات آموزش پیشرفته مذهبی نیز علمای پرآوازه‌ای را رشد و پرورش دادند. ابوبکر اشعری (۱۹۰۴)، برهان‌الدین الحلمی (۱۹۱۱)، ذوالکیفلی محمد، عبد الجلیل حسن، محمد یوسف نور، عبدالحمید عثمان، نیک عزیز نیک مات، عبدالهادی آونگ، وان حسن عظمی، حشام یحیی، عبدالفتاح ابراهیم، هارون دین، هاروس ثانی ذکریا، عثمان محمدی، محمد کمال حسن، احمد آونگ، اسماعیل ابراهیم و اسماعیل کاموس را می‌توان از میان آنان نام برد.

^۱- Kamus al-marbawi

برخی از این علما از شأن و موقعیت برجسته‌ای در دولت برخوردار بودند. محمد یوسف نور و عبدالحمید عثمان طی دوران بیش از بیست سال صدارت ماهاتیر محمد (دهه ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۳) دارای مقام وزارت در امور مجلس بودند. عبدالهادی آونگ دارای مقاماتی از جمله "مُتیری بسار"^۱ (وزیر اعظم) ایالت ترنگانو و همچنین رهبر حزب مخالف در مجلس شورای مالزی (پارلمان) بود. نیک عزیز نیک مات نیز "منتاری بسار" فعلی ایالت کلاتان می‌باشد. دیگر علما به عناوین مختلف از جمله اساتید دانشگاهی، مسئولین دعوت (تبلیغ اسلام)، پیشوایان دینی^۲ و محققان در خدمت رسانی به دولت کوشا بودند.

رسانه‌های گروهی مالایی

الف) روزنامه‌های مالایی

کشور مالزی طی دوره مستعمراتی با رسانه‌های جمعی و گروهی مدرن آشنا شد. اولین روزنامه مالایی "جاوی پرائاکان" نام داشت که در سال ۱۸۷۶ دوشنبه‌ها در سنگاپور به چاپ می‌رسید. هفته نامه‌ها و دوهفته نامه‌های مالایی دیگر که اواخر قرن نوزدهم در سنگاپور منتشر گردیدند عبارت بودند از "نجوم الفجر" (۱۸۷۷)، "شمس القمر" (۱۸۷۷)، "سکولا ملایو" (۱۸۸۱) و "بیتانگ تیمور" (۱۸۹۴-۱۸۹۵).^۳

در اواخر قرن نوزدهم، دو روزنامه مالایی در ایالت "پیننگ" بچاپ رسید؛ دوهفته نامه "تانبونگ پنگری" (۱۸۹۴-۱۸۹۵) و هفته نامه "پیمپیان وارتا" (۱۸۹۵-۱۸۹۷). در پراک، هفته نامه "سری پراک" در سال ۱۸۹۳ آغاز به کار کرد. اما تنها یک سال ادامه یافت. این روزنامه‌های اولیه به زبان جاوی (عربی) بودند. قالب‌بندی آنها شباهت زیادی به روزنامه‌های مصری داشت. آنها حاوی اخبار داخلی و خارجی بودند. اخبار جهانی از

^۱ - Menteri Besar

^۲ - muftis

^۳ - Nujumal Fajr (۱۸۷۷). Shamsul Kamar (۱۸۷۷). Sekolah Melayu (۱۸۸۸) and Bintang Timur (۱۸۹۴-۱۸۹۵).

روزنامه‌های انگلیسی زبان داخلی از جمله "استریت تایمز"^۱، که در سال ۱۸۴۵ در سنگاپور منتشر گردید، ترجمه می‌شد. این روزنامه‌ها شامل نامه‌هایی به سردبیر و مباحثی درباره زبان مالایی، فرهنگ مالایی و تعالیم اسلامی نیز بودند.

تمام روزنامه‌های مالایی این دوره اخبار جهانی مهمی که طی هفته یا ماه گذشته رخ داده بود را منتشر می‌کردند. همچنین مقالاتی درباره مشکلات مالایی‌ها، بخصوص در امور آموزشی، اقتصادی و اخلاقی، به چاپ می‌رساندند.

اغلب روزنامه‌های اولیه مالایی برای مدت کوتاهی دایر بودند. تنها چهار روزنامه بیش از ۱۰ سال به فعالیت خود ادامه دادند. آنها عبارتند از "اوتاسان ملایو"، "وارتا مالایا"، "مجلس" و "سادارا". پیش از آغاز جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۱، فقط پنج روزنامه با عناوین "وارتا مالایا"، "مجلس" و روزنامه‌های تازه منتشر شده‌ای همچون "اوتاسان ملایو"، "لمباگ" و "وارتا کیتا"^۲ همواره فعالیت داشتند (زین‌العابدین، ۱۹۴۱).

برخی از روزنامه‌ها بعنوان منتقد اجتماعی و "مراقب" فعالیتهای استعماری دولت انگلیس فعالیت می‌کردند. یکی از روزنامه‌ها - سادارا - که توسط سید شیخ الهادی (۱۹۳۴-۱۸۶۷) در پیننگ منتشر گردید، حاوی سرمقاله و مقالاتی به پشتیبانی از عقاید مذهبی اصلاح طلبانه محمد عبده (۱۹۰۵)، اصلاح طلب مذهبی مصری بود و علمای سنتی را که وی آنها را متهم به تقلید کورکورانه می‌کرد مورد انتقاد قرار می‌داد.

سادارا همچنین مقالاتی درباره مسائلی نظیر آزادی زنان مالایی و نیاز زنان مالایی به آموزش رسمی را ارائه می‌داد. روزنامه دیگری با عنوان مجلس به تشویق مباحث سیاسی و حقوق مالایی می‌پرداخت. اوتوسان ملایو از دولت استعماری انگلیس بدلیل سیاست تشویق مهاجران چینی به مالزی انتقاد می‌نمود.

طی اشغال مالزی توسط ژاپن در دوران جنگ جهانی دوم، دولت نظامی ژاپن چاپ و انتشارات تمام رسانه‌ها را متوقف کرد. ژاپنی‌ها بمنظور حمایت از نبردها، خود

^۱- Straits Times

^۲- Watra Malaya. Majlis and newly published Utasan Melayu. Lembaga and Warta Kinta

روزنامه‌هایی منتشر کردند. آنان برای جامعه مالزی چهار روزنامه بچاپ رساندند. "بریتا مالای" (۱۹۴۳-۱۹۴۵) و "فجر آسیا" (۱۹۴۳-۱۹۴۵) در سنگاپور، "پینگ شیمبون" (۱۹۴۲) در ایالت پینگ و "پراک شیمبون" (۱۹۴۲-۱۹۴۵) در ایپو، پراک^۱ به چاپ رسیدند.

اولین روزنامه جدید که پس از استقلال مالزی منشتر گردید "بریتا هاریان" نام داشت. این روزنامه در سال ۱۹۵۷ توسط همان شرکتی که صاحب امتیاز روزنامه انگلیسی زبان "استریت تایمز" بود، به چاپ رسید. علیرغم روزنامه‌های مالایی زبان دیگر، بجای حروف جاوی از حروف رومی استفاده نمود.

پس از استقلال مالزی در سال ۱۹۶۳، سه روزنامه مالایی زبان دیگر روی کار آمدند؛ روزنامه "اوتاسان مالزی" در سال ۱۹۶۷، روزنامه "واتان" در سال ۱۹۷۷ و روزنامه "هاریان مترو"، اولین روزنامه عصر مالزی به زبان مالایی در سال ۱۹۹۱.

همزمان با توسعه رسانه‌ها در مالزی، روزنامه‌ها پوشش خبری داخلی، ملی و بین‌المللی خود را گسترش دادند. منابع این اخبار تخصصی‌تر و قابل اعتمادتر شدند. اخبار ملی و داخلی توسط خبرنگاران داخلی تهیه می‌شدند. اخبار خارجی یا از طریق خدمات خبری خارجی "برناما" (خبرگزاری رسمی مالزی) و یا مستقیماً از دفاتر خبری خارجی از قبیل "ای اف پی" (خبرگزاری فرانس پرس)، "یو پی آی" (خبرگزاری آمریکایی یونایتد پرس)، "رویترز" (خبرگزاری انگلیسی) و آسوشیتد پرس (خبرگزاری آمریکایی) فراهم می‌شد.

در سال‌های آغازین پس از استقلال مالزی، روزنامه‌های مالایی به ترغیب گسترش روستایی و توسعه زبان ملی، فرهنگ، ادبیات و وحدت ملی می‌پرداختند. یکشنبه‌ها داستان‌های کوتاه، شعر نوین و نقدهای ادبی به چاپ می‌رساندند.

^۱- Berita Malai (۱۹۴۲-۱۹۴۵). Fajar Asia (۱۹۴۳-۱۹۴۵). Penang Shimbun (۱۹۴۲) and Perak Shimbun (۱۹۴۲-۱۹۴۵).

^۲- Berita Harian

این رسانه‌ها بویژه در دهه ۷۰، به توسعه و اشاعه سیاست‌های اقتصادی نوین و "روکون نگارا"^۱ (فلسفه ملی) کمک زیادی کردند. آنها در دهه ۸۰ سرمایه‌گذاری‌های مشارکتی، کارآفرینی و القای ارزشهای اسلامی در وزارت‌خانه‌های دولت را ترویج می‌کردند. روزنامه‌ها و رسانه‌های جمعی همچنین در دهه ۹۰، افکار عمومی و خوانندگان خود را از عواقب جهانی‌سازی آگاه ساخته و با اشاعه شعار "مالزی بوله" (مالزی می‌تواند) در آنان انگیزه دستیابی به اهدافشان را تقویت نمودند. آنها همچنین با چاپ مطالب و گزارش‌های انتقادی آمریکا را بدلیل سیاست‌های دوگانه‌اش نسبت به فلسطین و بوسنی هرزگوین مورد سرزنش قرار می‌دادند.

ب) مجلات مالایی

اولین مجله مالایی "خزانه العلوم" نام داشت، که در سال ۱۹۰۴ در "کوالا کنگسر"، واقع در ایالت پراک به چاپ رسید. در سال ۱۹۰۶، مجله دیگری با عنوان "الامام" در سنگاپور منتشر گردید. از میان این دو مجله، الامام معروفتر بود. این مجله حاوی مقالاتی بود که با توجه به نقطه نظرهای محمد عبده (۱۹۰۵) و محمد رشید (۱۹۳۵) از مصر، دیدگاه مدرنی نسبت به اسلام اشاعه می‌داد.

مجله دیگری با همان مضمون، "الاخوان" (۱۹۳۱-۱۹۳۶) نام داشت. این مجله توسط سید شیخ احمد الهادی (۱۹۳۴-۱۸۶۷) در ایالت پیننگ منتشر می‌گردید و از برخی اعمال مذهبی مالایی، نظیر خواندن تلقین (تلقین میت)، که آنها را بدعت می‌دانست، انتقاد می‌کرد. این مجله همچنین مسائلی درباره آزادی زنان مالزی نیز مطرح می‌کرد.

مجله دیگری بنام "پنگسو" (۱۹۳۱-۱۹۱۸) در منطقه کوتا بارو، واقع در ایالت کلانتان نیز حاوی مقالات مهمی درباره اسلام بود. این مجله رویکرد محافظه‌کارانه‌ای را در پیش گرفته بود. دیگر مجلات مالایی زبان پیش از جنگ در شبه جزیره مالایا عبارت بودند از "مجله گورو" (۱۹۲۴)، "لیدا ایبو" (۱۹۳۵)، "پنگلی هاتی" (۱۹۳۶)، مجله

^۱- Rukun Negara

پمودا" (۱۹۳۵)، "سیاست" (۱۹۳۹)، "مستیکا" (۱۹۴۱) و تعدادی دیگر.^۱ همانطور که قبلاً نیز گفته شد، طی اشغال مالزی توسط ژاپن (۱۵ فوریه ۱۹۴۲ تا ۱۴ فوریه ۱۳۴۵)، ژاپنی‌ها انتشار تمام مجلات پیش از جنگ را متوقف کرده و برای انتشار جنگاوریهای خود "سیمنگات آسیا" (۱۹۴۳) را راه‌اندازی کردند. با این حال آنها با انتشار دو مجله مالایی زبان با عناوین "مطهری" (۱۹۴۲) و "سیناران مطهری" (۱۹۴۲)^۲ موافقت کردند.

پس از جنگ جهانی دوم، مجله "مستیکا" با مضمونی اسلامی در نوامبر ۱۹۴۶ دوباره انتشار خود را از سر گرفت. چهار مجله دیگر با مضمون اسلامی به نام‌های کساتوان اسلام، "قلم" (۱۹۵۰)، "سیناران" (۱۹۵۰) و "وارتا جاباتان آگاما جوهور" (۱۹۵۰)، که حاوی مقالاتی درباره اسلام بودند نیز به چاپ رسیدند. علاوه بر این‌ها که بیشتر مضمون مذهبی و دینی داشتند، تعدادی از مجلات سرگرمی نیز چاپ و منتشر شدند.^۳ در سال ۱۹۶۹، مجله "وانیتا"، مجله‌ای برای زنان، منتشر گردید. بدنبال آن مجلات دیگری که به زنان اختصاص داشتند نیز آغاز به کار کردند.^۴

در مجموع طی این دوران علاوه بر چهار الی پنج مجله که با مضمون اسلامی به طور گسترده منتشر می‌گردید، یک انجمن اسلامی، که توسط اشعری محمد از "دار الارقام" پایه‌گذاری و رهبری می‌شد، تعداد دیگری مجله اسلامی نیز منتشر ساخت.^۵

^۱- Majalah Guru (۱۹۲۴). Lidah Ibu (۱۹۳۵). Peggeli Hati (۱۹۳۶). Majallah Pemuda (۱۹۳۵). Siasat (۱۹۳۹). Mastika (۱۹۴۱) and a number of others.

^۲- Mathari (۱۹۴۲) and Sinaran Matahari (۱۹۴۲).

^۳- Hiboran (۱۹۴۶). Kenchana (۱۹۴۷). Mutiara (۱۹۴۸). Filem Raya (۱۹۵۱). Utasan Filem dan Sport (۱۹۵۲). Filem Juita (۱۹۵۳). Filem (۱۹۵۴). Jambangan Juita (۱۹۵۴). Majallah Bintang (۱۹۵۵). Gelanggang Filem (۱۹۵۸). Majallah Filem (۱۹۶۰). Muda-Mudi (۱۹۶۰). Mambang (۱۹۶۱). Filem Malaysia (۱۹۶۱) and Mastika Filem (۱۹۶۲).

^۴- Jelita (۱۹۷۶). Keluarga (۱۹۷۶). Femina (۱۹۷۷). Alam Wanita (۱۹۷۸). Nona (۱۹۸۶). Ummi (۱۹۸۸). Ibu (۱۹۸۹). Perempuan (۱۹۹۰) and Hawa (۱۹۹۲).

^۵- Utasan Qiblat (۱۹۷۰). Al-Islam (۱۹۷۴). Al-Dakwah (۱۹۷۷) and Risalah (۱۹۸۵).

^۶- Al-Mukminah (۱۹۸۳). Al-Ain (۱۹۸۴). Al-Munir (۱۹۸۵). Al-Qiadah (۱۹۸۹) and Anak Soleh (۱۹۹۰).

ج) رادیو

اولین شبکه رادیو در مالزی در سال ۱۹۳۵ و همزمان با تاسیس ایستگاه پخش "بریتانیا مالایا"^۱ در کوالالامپور، که برنامه‌های محدودی را برای مردم کوالالامپور پخش می‌کرد، بصورت رسمی آغاز به کار کرد. طی اشغال مالزی توسط ژاپنی‌ها در سال‌های ۱۹۴۵-۱۹۴۲، وزارت امور مستعمرات ژاپن چند ایستگاه رادیویی در ایالات سنگاپور، پیننگ، ملاکا و سِرمبان دایر کرد. پس از جنگ نیز که با شکست ژاپن و پیروزی بریتانیا در این کشور همراه بود، دولت وابسته به بریتانیا در شبه جزیره مالایا یک حوزه پخش با عنوان رادیو "مالایا" در سال ۱۹۴۶ راه اندازی کرد که پایگاه‌های مرکزی آن در سنگاپور مستقر بودند.

پس از استقلال مالزی در سال ۱۹۵۷، پایگاه‌های مرکزی رادیو "مالایا" در سال ۱۹۵۹ از سنگاپور به کوالالامپور، پایتخت امروزمین مالزی انتقال یافت. همچنین پس از استقلال سنگاپور از مالزی در سال ۱۹۶۳، رادیو "مالایا" نیز تبدیل به رادیو "مالزی" شد. امروزه، رادیو مالزی از طریق چهار شبکه برنامه پخش می‌کند. این رادیو همچنین رادیو ملی مالزی محسوب می‌شود و به زبان مالایی و به صورت شبانه‌روز در حال پخش برنامه می‌باشد.

رادیو مالزی در زیر مجموعه شبکه‌های "ترویجی - تفریحی"^۲ قرار می‌گیرد، که عمدتاً برنامه‌های اطلاعات عمومی و سرگرم کننده را به سمع شنوندگان خود می‌رساند. اطلاعات شامل سیاست‌ها و طرح‌های دولت، اخبار جهانی، اخبار ملی، اخبار تجاری، گزارش‌های هواشناسی بوده و سرگرمی‌ها و تفریحات عمدتاً موسیقی و آهنگ را در بر می‌گیرد.

رادیو مالزی عمدتاً پیام اسلام را اشاعه می‌دهد. این شبکه ملی همواره با تلاوت قرآن کریم آغاز می‌شود. همچنین برنامه‌های متعددی درباره اسلام پخش می‌نماید. رادیو مالزی دارای ایستگاه‌های پخش منطقه‌ای نیز می‌باشد که در مراکز ایالت‌ها دایر می‌باشند.

^۱ - British Malaya Broadcasting Corporation

^۲ - infotainment

برنامه‌های این ایستگاه‌ها از نظر موضوع در یک راستا قرار دارند. به منظور مرتفع ساختن نیازها و سلايق ویژه قشر تحصیل کرده، پير و جوان، تعدادی ایستگاه ویژه بنیان‌گذاری شده است. راديو "إرا" و راديو "سینار اف ام"^۱ از آن دسته‌اند. برای این که مردم، به ویژه آنهایی که در کوالا لامپور زندگی می‌کردند، اسلام را بعنوان راه و رسم مطلوب زندگی بشناسند، راديو "آی کی ای ام" نیز در سال ۲۰۰۰ راه‌اندازی شد.

د) تلویزیون

تلویزیون مالزی در روز ۲۸ دسامبر سال ۱۹۶۳ آغاز به کار کرد. در ۱۷ نوامبر سال ۱۹۶۹ شبکه دوم نیز راه‌اندازی شد. در سال‌های آغازین، شبکه‌های تلویزیونی برنامه‌ها را به صورت سیاه و سفید پخش می‌نمودند. اما از ۲۸ دسامبر سال ۱۹۷۸ برنامه‌های تلویزیونی به صورت تمام رنگی پخش می‌شوند.

در حال حاضر، چهار شبکه تلویزیونی خصوصی در مالزی وجود دارد. قدیمی‌ترین آنها "تی وی ۳" می‌باشد که در ۱ ژوئن سال ۱۹۸۴ راه‌اندازی شد. شبکه‌های دیگر عبارتند از "ان تی وی ۷" که در آوریل سال ۱۹۹۸، "کانال ۹" که در سپتامبر سال ۲۰۰۳ و "تی وی ۸" که در ژانویه سال ۲۰۰۴ آغاز به کار کردند.^۲

از اواسط سال ۱۹۹۶، مالزیایی‌ها قادر شدند به صورت اشتراکی از برنامه‌های تلویزیون ماهواره‌ای دیجیتال "آسترو"^۳ استفاده کنند که برنامه‌های آن توسط ماهواره‌های ارتباطی متعلق به مالزی به نامهای "می ست-۱" و "می ست-۲"^۴ ارسال می‌شوند. مردم مالزی با عضویت در شبکه ماهواره‌ای استرو می‌تواند از میان دهها کانال موجود، کانالهای مورد علاقه خود را انتخاب کنند.

در مالزی، نقش اصلی تلویزیون اطلاع‌رسانی، آموزش، سرگرمی و اشاعه وحدت ملی تعریف شده است. اگرچه اغلب برنامه‌های تفریحی برگرفته از کشور آمریکا

^۱ - Radio ERA and Radi Sinar FM

^۲ - NTV7(April. ۱۹۹۸). Channel ۹ (September. ۲۰۰۳) and ۸TV (January. ۲۰۰۴).

^۳ - Astro

^۴ - MEASAT-۱ and MEASAT-۲

می‌باشند، اما به دقت و براساس معیارها و تقسیم بندی‌های مختلف کنترل می‌شوند. این برنامه‌ها عمدتاً به دو دسته تقسیم می‌شوند: **برنامه‌های عمومی (یو)** و **برنامه‌های بزرگسالان**. برنامه‌های بزرگسالان نیز به چهار دسته متفاوت تقسیم‌بندی می‌شوند: **برنامه‌های فاقد صحنه‌های خشونت‌بار** و **ترسناک** که در رده "اِس جی" قرار می‌گیرند، **برنامه‌های فاقد صحنه‌های غیر اخلاقی** که در رده "اِس اِکس" جای دارند، **برنامه‌هایی با عوامل سیاسی، مذهبی و ضد فرهنگی** که در دسته "پی اِی" قرار می‌گیرند، و **برنامه‌هایی با دو یا چند عامل** که باعث بالا بردن حساسیت می‌شوند و جزء گروه "پی اِل" به حساب می‌آیند.

تلاش علماء برای تأثیرگذاری در رسانه‌های گروهی

از زمان حضور رسانه‌های گروهی در شبه جزیره مالزی در دهه ۷۰، علما همواره نگرانی‌هایی در رابطه با محتوا و تأثیر رسانه‌های گروهی بر جامعه مالزی داشته‌اند. جمعی از با نفوذترین آنها جهت همسو کردن محتوا و اهداف رسانه‌های گروهی با اسلام تلاش بسیاری کرده‌اند. تلاش آنها اغلب شیوه‌های مختلفی همچون ارائه خطبه، دعوت، دفاتر و فتاوی مؤقتی‌ها (پیشوای دینی)، کنفرانس‌ها و حتی تحریم را شامل می‌شده است.

سهم تأثیر علما در رسانه‌ها پیش از جنگ جهانی دوم

اولین روشی که علما برای تأثیر بر رسانه‌های چاپی در پیش گرفتند راه‌اندازی انتشارات و چاپ روزنامه‌ها و مجلات مخصوص خودشان بود. بدین روش بر محتوا و اهداف رسانه‌ی چاپی احاطه کامل داشتند. این روش را گروهی از علمای سنگاپور به نام‌های **شیخ محمد طاهر ابن جلال الدین (۱۹۵۶-۱۸۷۹)**، **عباس ابن محمد طاهر (۱۸۸۵)**، **شیخ محمد سلیم الکلالی** و **شیخ محمد ابن عقیل** پایه‌گذاری و توسعه دادند. به عنوان مثال هدف از انتشار مجله "الامام" در سنگاپور "یادآوری به فراموش کنندگان، بیدار کردن افرادی که در خواب فرو رفته‌اند، هدایت گمراهان و فراهم آوردن رسانه برای آنانی که از روی خرد سخن می‌رانند" بود (لیندا تن، ۱۹۹۹).

مدیر مسؤلهای "الامام" همگی از جمله علمای معروف بودند. اولین مدیر مسؤل آن شیخ محمد طاهر ابن جلال الدین (۱۹۵۶-۱۸۶۹) بود، که در مکه و دانشگاه الأزهر تحصیل کرده بود. وی زمانی که در قاهره اقامت داشت، مقالاتی برای "المنار" به تحریر در آورد. عباس محمد طاهر (۱۸۱۵)، که پس از شیخ محمد طاهر جلال الدین روی کار آمد، در سال ۱۹۰۸ مدیر مسؤل "الامام" بود و وی نیز تحصیلات خود را در مکه به پایان رسانده بود.

محتویات "الامام" دقیقاً در راستای اهداف آن بود. الامام اطلاعات دقیقی درباره اسلام بر مبنای قرآن کریم و سنت ارائه می‌داد. بر اهمیت اجتهاد (استدلال غیر وابسته) و نیاز به دوری از تقلید (پیروی کورکورانه) تأکید داشت. از مردم مالزی می‌خواست تا با واقعیت زمان مواجه شوند، دیوار احتیاط را کنار زده و برای توسعه جامعه کوشش نمایند. همچنین ستونی را به نظرات خوانندگان درباره اسلام تخصیص داد و از دیدگاه "گوم مودا" (قشر جوان) به آنان پاسخ می‌داد (۱۴۲).

عالم دیگری که انتشاراتی را راه‌اندازی نموده و مجله و روزنامه خود را به چاپ رسانده بود، "سید شیخ الهادی" نام داشت (۱۹۳۵-۱۸۶۷). وی انتشارات "جلوتنگ"^۱ را در سال ۱۹۲۷ در ایالت پیننگ بنیان‌گذاری نمود و مجله "الانخوان" و هفته‌نامه "سادارا" را منتشر ساخت.

سید شیخ الهادی بر آن بود تا الانخوان را همچون الامام به الگوی مجله اسلامی تبدیل نماید. اما برخلاف الامام، علیرغم تنوع محتوای الانخوان، تمام مطالب آن در راستای اهداف یک مجله اسلامی بود. علاوه بر گزارش‌های خبری و مقالات مذهبی، مقالاتی با موضوعات مورد علاقه عموم از قبیل "مکاشفات"، "مساعادت"، و "فقر مالایی‌ها" و حتی مطالب چند قسمتی پلیسی بنام "رکمبول" نیز در برداشت. الانخوان در حوزه مسائل اسلامی، بعضی از اقدامات را مورد انتقاد قرار می‌داد، که عبارتند از کیندوری (ضیافت) برای مردگان، تلقین (خطبه میت) و جشن مولود (تولد حضرت محمد).

الانخوان در طول سال‌های فعالیت خود برای مطرح کردن خود به عنوان یک مجله اسلامی نمونه تلاش بسیاری کرد. نظر به گفته "زعبا" (۱۹۴۱)^۱، "الانخوان از دیدگاه پایه‌گذار و مدیر مسئول اصلی خود، سید شیخ الهادی، که در گذشت وی در سال ۱۹۳۴ بسیار تأسفات‌انگیز بود، منتقد قدرتمند و سرسخت زندگی مالایی و مدافع نیرومند اصلاح اجتماعی و مذهبی مسلمانان بود."

سید شیخ الهادی همچنین خواهان آن بود که *سادارا* نمونه یک روزنامه اسلامی باشد. اطلاع‌رسانی، ایجاد آگاهی، آموزش و "شفاف‌سازی حقایق اسلام برای مسلمانان مشرق زمین که همواره از پستی‌ها در امان بودند" اهداف اصلی *سادارا* را تشکیل می‌دادند. روش دیگر ایجاد تغییر به کارگیری و پرورش روزنامه‌نگاران با استعداد مالایی بود. سید شیخ الهادی استعداد "عبد الرحیم کجایی" (۱۹۴۳-۱۹۴۶) را تشخیص داده و وی را بعنوان دستیار مدیر مسئول *سادارا* استخدام کرد. عبدالرحیم کجایی بمدت سه سال در *سادارا* فعالیت داشت و در سال ۱۹۳۱ از سمت مدیر مسئولی آن کناره گرفت. طبیعتاً، وی آموزه‌های بسیاری درباره روزنامه‌نگاری اسلامی از سید شیخ الهادی فراگرفت. او این دانش را به بهترین نحو طی دوران مدیر مسئولی‌اش در نشریات و روزنامه‌های "مجلس" از سال ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۵، "وارتا" از سال ۱۹۳۵ تا ۱۹۳۹ و "اوتاسان ملایو" از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۱ بکار گرفت. امروزه، عبدالرحیم کجایی بعنوان پدر روزنامه‌نگاری مالزی شناخته می‌شود.

نقش علماء در رسانه‌های پس از جنگ جهانی دوم

پس از جنگ جهانی دوم، هر سه روزنامه مالایا اوتاسان ملایو، مجلس و وارتا نگارا - به "ناسیونالیست‌ها" تعلق گرفت و توسط خود آنها اداره می‌شد. از میان آنها می‌توان "یوسف اسحاق"، "عبدالصمد اسماعیل"، "عثمان وک" و "سعید اظهري" که در هیأت تحریریه

^۱- Za'aba (۱۹۴۱)

اوتاسان ملايو فعالیت می کردند، و نیز "عبدالصمد احمد" که مدیر مسؤل مجلس بود و عبدالوهاب محمد زین که بعنوان مدیر مسؤل *وارتا نگارا* فعالیت داشت، نام برد. این روزنامه ها - *اوتاسان ملايو*، *مجلس* و *وارتا نگارا* - با هدف اشاعه وحدت در مالزی، القای روح ملی گرایی و حمایت از تلاش برای استقلال از بریتانیا منتشر می شدند. محتوای اصلی این روزنامه ها در راستای نیل به این اهداف بود.

پس از جنگ جهانی دوم، تعداد مجلات منتشر شده دو برابر شد. مجلاتی که تنوع گسترده ای داشتند. سه دسته مهم آنها شامل مجلات سرگرمی، فرهنگی - ادبی و عمومی بودند. این مجلات توسط ادیبانی با استعداد هدایت می شد. از میان آنان می توان "کمال الدین محمد" (کریس مس)، "همزه"، "واجایا مالا"، "ماشور مالایا" و "جیمی آسمارا" را نام برد.^۱ از این دسته مجلات تنها "ماستیکا"، "موتیارا" و قلم شامل داستان های کوتاه، شعر و مقالاتی درباره ملی گرایی، میهن پرستی و تلاش برای استقلال بود. در این دوران علمای برجسته و آینده نگر حامی استقلال مالزی بودند. آنها از اهداف روزنامه ها و مجلات بخصوصی پشتیبانی می کردند. به منظور ابراز حمایت و مهر تأیید زدن بر فعالیت های روزنامه ها و برخی از مجلات، ارتباط تنگاتنگ خود را با مدیر مسؤلها و ناشران حفظ کردند.

یک عالم بعنوان مثال - "عبدالله بسمه"^۲، مفسر مشهور قرآن - علاوه بر فعالیت در هیأت تحریریه "قلم"، ارتباط شخصی نزدیکی با مدیر مسؤلهای *اوتاسان ملايو* خصوصاً یوسف اسحاق، عبدالصمد اسماعیل و عثمان وک داشت.

از میان علمای برجسته دیگری که با مدیر مسؤلها ارتباط فردی تنگاتنگی داشتند و بر آنان تأثیر می گذاشتند می توان برهان الدین محمد نور الحلمی (۱۹۱۱-۱۹۷۹)، شیخ محمد طاهر جلال الدین (۱۹۵۶-۱۸۷۹) و ذوالکیفلی محمد (وفات ۱۹۷۴) نام برد. آنان طی

^۱ - Kamaluddin Muhammd (Keris Mas), Hamzah, Wijaya Mala, Mashor Malaya and Jimy Asmara.

^۲ - Abdullah Basmih

ملاقات‌ها و مکاتبات با ویراستارها، آنان را تحت تأثیر قرار می‌دادند. آنها در مباحثات و مکاتبات خود عقایدشان را نسبت به اهمیت مبارزه برای استقلال مالزی و همچنین درباره نقش روزنامه‌ها و مجلات در دستیابی به آن را برای دیگران مطرح می‌نمودند.

مدیر مسئولهای *اوتاسان ملایو*، *مجلس و وارثا نگارا* و *مجلاتی از قبیل ماستیکا و موتیارا* نیز تحت تأثیر سخنرانی‌ها و نوشته‌های علمای اندونزیایی بویژه حاجی عبد المالک کرم امرالله یا همکا (وفات ۱۹۸۱) و محمد نتسیر (وفات ۱۹۹۳)، رئیس مجلس شورای مسلمانان اندونزی^۱ از سال ۱۹۴۹ تا سال ۱۹۵۸، قرار داشتند. طی دوران پیش از استقلال، از علمای نامور اندونزی جهت سخنرانی درباره موضوعات منتخب در برخی از مساجد شبه جزیره مالزی دعوت بعمل می‌آمد. همکا به دفعات برای سخنرانی در شهرهای "سنگاپور"، "کوالالامپور" و "ایپوه" دعوت شده بود.

به علت تأثیر علمای آن دوره، و همچنین تأثیر روزنامه‌نگاران مالایی پیشین، بخصوص عبدالرحیم کجایی و تعلیم و تربیت سنتی مالایی، روزنامه‌نگاران مالایی پس از جنگ جهانی دوم خود را از نظر اخلاقی و مسئولیتی، موظف به ارائه اخبار ملی و رویدادهای جهانی، اخبار مریبان و منتقدان اجتماعی می‌دانستند. آنها همچنین نقش فعالی در اتحاد مالایی‌ها در راستای تلاش برای استقلال داشتند.

روش‌های علماء در هدایت رسانه‌ها پس از استقلال مالزی

علمای دوره پسا استعماری (پست کلنیال) نسبت به دوره پیش از استقلال جمعیت بیشتری داشته و تحصیل کرده‌تر بودند. شماری از آنان از معروف‌ترین دانشگاه‌های دنیا مدرک دکترا گرفته بودند. اغلب آنها پست‌های برجسته‌ای در دولت داشتند. معدودی از آنان از مقامات حائز اهمیتی در هیئت دولت برخوردار بودند. برخی از این علما همچنین اعضای منتخب احزاب مخالف بودند.

^۱- Majlis Syura Muslimin Indonesia or Masjumi

آنان نیز همچون پیشینیان خود، اهمیت زیادی به محتوا و اهداف رسانه‌های گروهی می‌دادند، و تلاش داشتند به روش‌های گوناگون بر آن تأثیر بگذارند. یکی از راه‌های مؤثر دستیابی به این هدف بهره‌گیری از نفوذ سیاسی بود. هیئت مذهبی سازمان ملی مالزی^۱، به ریاست محمد یوسف نور، در سال ۱۹۸۴ طی دیداری با مدیران ارشد روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون مالزی خواستار القای ارزش‌های اسلامی در برنامه‌هایشان شد. وی همچنین موفق شد آنها را از ارائه تبلیغات مشروبات الکلی در رسانه‌هایشان باز دارد.

روش مؤثر دیگر اعمال نفوذ بر رسانه‌های گروهی "مجلس شورا" یا همان پارلمان مالزی بود. علمایی که نمایندگان منتخب مردم بودند همواره در مجلس شورای مالزی خواهان عملکرد مناسب رسانه‌های گروهی بودند. یکی از پیشگامان این امر "ذوالکفلی محمد" (وفات ۱۹۶۴) از حزب اسلامی "پان مالزی"^۲ بود. وی در سال ۱۹۶۱، هنگامی که کارکنان اوتاسان ملایو به منظور مقابله با تصمیم حزب حاکم برای ضبط کاغذ از ۲۱ جولای سال ۱۹۶۱ به مدت سه ماه اعتصاب کردند، مسئله آزادی رسانه‌ها را مطرح نمود. راه دیگر نفوذ از طریق خطبه نماز جمعه بود. در خطبه‌های روزهای جمعه، خطیب می‌تواند درباره تمام مسائل رایج از جمله رسانه‌های گروهی صحبت نماید. در دهه ۹۰، تعدادی از خطیبان منطقه کوالالامپور در خطبه‌های خود درباره رسانه‌های گروهی اعلام نظر کردند. یکی از آنان طیب اعظم الدین^۳، امام جماعت اسبق مسجد ملی بود. وی از نمایش آزادانه برنامه‌های تفریحی غربی در تلویزیون خصوصاً شبکه "تی وی ۳" و تأثیر منفی احتمالی این برنامه‌ها بر جوانان مسلمان سخن گفت. او از "تی وی ۳" خواست آگاهانه‌تر عمل نموده و برنامه‌های خود را گزینش نمایند.

علاوه بر این دفتر مفتی نیز می‌تواند تأثیر گذار باشد. در دهه ۹۰، مطرح‌ترین منتقد

^۱ - Religious Bureau of the United Malay National Organization (UMNO)

^۲ - Pan Malaysian Islamic Party (PAS)

^۳ - Azammuddin

رسانه‌های گروهی به ویژه تلویزیون "هاروسینی"^۱، *مفتی ایالت پراک*، بود. وی به دفعات نگرانی خویش را از تأثیرات منفی برنامه‌های غربی بر تلویزیون ابراز کرد. وی در سال ۱۹۹۹، "تی وی ۳" را بدلیل ترویج روز ولتاین (*روز عشاق*)، که طبق گفته وی بر ضد تعالیم اسلامی بود، به شدت مورد انتقاد قرار داد. دیدگاه‌های وی همچنین در روزنامه‌های مالایی نیز منتشر می‌شد.

انجمن علمای مالزی^۲ در دهه ۷۰ به منظور اتحاد هر چه بیشتر علما پایه‌گذاری شد، چراکه آنها بصورت گروهی می‌توانند به عنوان *وارث الانبیاء (وارثین وظایف پیامبران)* فعالیت مؤثرتری در مالزی داشته باشند. هر از گاهی، بیانیه‌هایی بر ضد سیاست‌ها و فعالیت‌های رسانه‌های گروهی و دولت و یا موافق آن‌ها مطرح می‌کردند. آنان بیشتر بر مسائل اخلاقی صنعت رسانه‌ها توجه داشتند. "احمد آونگ"، ریاست سابق آن، به دفعات این موضوع را در سخنان خویش خاطر نشان کرد. "عبد الغنی شمس الدین"، یکی دیگر از رؤسای اسبق این انجمن، مقاله‌ای درباره اخلاقیات رسانه‌ها در یک کنفرانس رسانه‌ای که توسط این انجمن در سال ۱۹۹۷ برگزار گردیده بود، ارائه داد. وی سعی داشت از نفوذ خود برای اخلاقی تر کردن رسانه‌های گروهی استفاده نماید.

سازمان دیگری که قصد تأثیرگذاری بر عملکرد رسانه‌ها داشت "*دارالارقم*" به ریاست "اشعری محمد" بود. *دارالارقم* روزنامه‌ای با عنوان *الارقم* در سال ۱۹۸۳ و پنج مجله به شرح زیر منتشر نمود: *المکمناح* (۱۹۸۳) برای زنان، *القیاده* (۱۹۸۹) برای مطالعه عموم و *الآیین* (۱۹۸۴)، *المنیر* (۱۹۸۵) و *آنک سله* (۱۹۹۰)^۳، که همگی کودکان را مخاطب قرار می‌دادند. مجله *الارقم* بعنوان الگوی روزنامه‌ها و مجلات داخل کشور منتشر گردید.

عدم همکاری و تحریم نیز راه دیگری برای اعمال نفوذ بود. حزب اسلامی پان

^۱ -Harussaini

^۲ - Persatuan Ulama Malaysia

^۳ -Darul argam (۱۹۸۳). Al-Mukminah (۱۹۸۳). Al-Qiadah (۱۹۸۹). Al-Ain (۱۹۸۴). Al-Munir (۱۹۸۵) and Anak Soleh (۱۹۹۰).

مالزی (پی‌ای/س) در انتخابات عمومی سال ۱۹۹۹ جهت مخالفت با اظهارات متعصبانه بر علیه حذف مخالف، از این روش‌ها استفاده نمود.

میزان موفقیت

دیدگاه‌ها و پیشنهادات علما درباره عملکرد رسانه‌های گروهی مالزی هیچگاه بی‌اهمیت تلقی نشده است. بلکه در عوض، اغلب فعالان رسانه‌های گروهی اعلام کرده‌اند که از نقطه نظرها و پیشنهادات مطلع بوده و آنها را [در دستور کار خود] لحاظ می‌کردند. فعالان رسانه‌ای همچنین اظهار داشته‌اند که بسیاری از پیشنهادات راجع به اخلاقیات رسانه‌های گروهی را در اکثر مواقع بکار می‌گیرند. هرچند که به اعتقاد آنها پاره‌ای از مسائل اخلاقی، بویژه رعایت عدل (عدالت) درباره احزاب مخالف را نمی‌توان اجرا نمود. دلیل آن نیز ارتباط شرکت‌های صاحب امتیاز ایستگاه‌های تلویزیونی و روزنامه‌ها با حزب حاکم می‌باشد. همان‌طور که دلیل ادامه پخش فیلم‌های غربی که حاوی عوامل غیراسلامی می‌باشند نیز اقتصادی و درآمد هرچه بیشتر از تبلیغات آن می‌باشد.

